###### 28

###### آزاد.jpeg

###### دانشگاه آزاد اسلامي

###### واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**بررسي مشکلات و عواملي که منجر به زوال خانواده و روابط نامناسب زن و شوهر مي‌گردد**

**1-1 مقدمه**

خانواده ريشه‌دارترين و مقدس‌ترين سازمان اجتماعي است که به اعتقاد جامعه‌شناسان در مقياس کل دو وظيفه توليد نسل و تعيين هويت اجتماعي فرزندان را به عهده دارد و در مقياس جزء اجتماعي کردن فرزندان و استقرار شخصيت بزرگسالان را نيز انجام مي‌دهد. از ديدگاه روانشناسي هدف ديگر خانواده معاصر، شناخت نيازهاي رواني و تلاش براي رفع اين نيازهاست. با توجه به اهميتي که جوامع امروز براي تداوم و بقاء خانواده و سلامت و سلامت عمومی افراد جامعه قائل هستند، بررسي مشکلات و عواملي که منجر به زوال خانواده و روابط نامناسب زن و شوهر مي‌گردد (شوارتز وگنز، 1980، ترجمه، شهروزي 1381) از اولویت های جوامع به شمار می رود.

برآوردها نشان مي‌دهند که در هر مقطع زماني، تعداد زيادي از مردم با سلامت عمومی دچار مشکلاتي مي‌شوند که ناخواسته بر روي زندگي فردي و اجتماعي آنها تأثير گذاشته و موجب کاهش عملکرد مطلوب آنها مي‌گردد. از سلامت عمومی تعاريف زيادي به عمل آمده که هر کدام با توجه به شرايط فرهنگي و اجتماعي هر جامعه‌اي با ديگري متفاوت است. روان‌پزشکان، فردي را از لحاظ روان سالم مي‌دانند که بين رفتار و کنترل او در مواجهه با مشکلات اجتماعي تعادل وجود داشته باشد. در تعادل و بهداشت روان، انسان به تنهايي مطرح نيست بلکه آنچه که مورد بحث است، پديده‌هايي هستند که در اطراف او وجود دارند و بر مجموعه سيستم و نظام او اثر مي‌گذارند و از آن تأثير مي‌پذيرند (لئونارد سايم 1978، ترجمه از شاملو، 1372).

از عوامل ديگري که سلامت عمومي و جسمي را متأثر مي‌سازد، حمايت اجتماعي است. انسان در طول زندگي نيازمند محيطي صميمي و نيز افرادي است که حامي او باشند. انسان براي اين که سلامت و سازگاري خود را از لحاظ فيزيکي در روان‌شناختي حفظ کند، نياز به روش‌هاي مقابله دارد که برخي از آنها به صورت رسمي يعني توسط مؤسسات مشاوره و مراکز سلامت عمومی و بعضي ديگر از جانب خانواده، دوستان و محيط اجتماعي وي تأمين مي‌شوند و هر چه ميزان دريافت کمک بيشتر باشد، سلامت عمومی فرد بيشتر و توانايي او در مقابله و سازش با مشکلات افزايش مي‌يابد (لئونارد سايم، 1978، ترجمه شاملو، 1372).

بنابراين برخورداري از سلامت عمومی به عوامل متعددي بستگي دارد که مهم‌ترين آنها احساس امنيت و خود ارزشمندي و فقدان اضطراب و افسردگي در محيط خانواده و اجتماع است. افرادي که دچار مسائل و مشکلات عصبي و رواني مي‌شوند، مضطرب،‌ افسرده، بلاتکليف و بي‌هدف بوده و در خود فرو مي‌روند و تداوم آن موجب مشکلاتي از قبيل آشفتگي و پريشاني فکر و عدم تعادل رواني مي‌شوند. با توجه به موارد گفته شده و عنايت به نقش سلامت عمومي و تأثير آن بر محيط خانواده، پژوهش حاضر در زمينه ارتباط به محيط خانواده و سلامت عمومي زنان باردار انجام مي‌گيرد. به اميد آنکه اين پژوهش زمينه‌اي براي انجام تحقيقات بيشتر و گسترده‌تر را فراهم آورد.

**1-2 بيان مسئله**

سلامت عمومي يکي از مقوله‌هاي مهم در مباحث روان‌شناسي و روانپزشکي بوده و به سبب اهميت دوره بارداري، توجه به سلامت عمومي در زنان باردار از اهميت خاصي برخوردار است. بي‌ترديد عوامل متعددي بر سلامت عمومي افراد تأثيرگذارند، يکي از اصول اساسي در سلامت عمومي، شناسايي احتياجات و محرک‌هايي است که به نوعي منشأ بروز رفتار و اعمال انسان هستند. احتياجات ضروري انسان زنده فقط اکسيژن، آب و غذا نيستند بلکه احتياجات رواني مانند احساس امنيت، آرامش، تعادل رواني، احساس پيشرفت و برتري همگي از اصول سلامت عمومي هستند. کارل منيجر[[1]](#footnote-1) مي‌گويد: «سلامت عمومی عبارت است از حداکثر سازش فرد با جهان اطرافش به طوري که شادي و برداشت مفيد و مؤثر و کامل وي را در پي داشته باشد». تودور[[2]](#footnote-2) (1966: به نقل از رسولي، 80-1379) سلامت عمومی را ارتقاي عملکرد اجتماعي[[3]](#footnote-3) و نداشتن علايم افسردگي[[4]](#footnote-4) و اضطراب[[5]](#footnote-5) تعريف کرده است.

سازمان بهداشت جهاني[[6]](#footnote-6) (1948: به نقل از دي ماتئو و مارتين[[7]](#footnote-7)، 2002: کرتيس، ترجمه کريمي، 1380) سلامت را چنين تعريف کرده است: حالت کامل سلامت جسماني، رواني و اجتماعي و نه فقط عدم حضور بيماري يا ضعف و سستي و شاخص‌هاي سلامتي ارائه شده در سال 2000 عبارت بوده‌اند از حرمت انسان، استقلال، مسئوليت فردي و اجتماعي، سطح سواد، اشتغال، امنيت، پاسخگو بودن مسئولين، خدمات بهداشتي و درماني که در بين 194 کشور عضو، ايران رتبه 96 را بدست آورده و در ارتباط با خدمات بهداشتي رتبه 54/1 را کسب کرد. به اين ترتيب ملاحظه مي‌شود که موضوع سلامتي افراد تنها در بيماري جسمي خلاصه نشده و به طور عمده در چارچوب سلامت عمومي و اجتماعي قرار مي‌گيرد. اضطراب و افسردگي شايع‌ترين مشکلات سلامت عمومي در جامعه هستند.

محيط خانواده[[8]](#footnote-8)، عامل مهمي در تأمين نيازهاي رواني اعضاي خانواده به ويژه همسران است. اين عامل در بروز اختلالات نقش مهمي دارد. علاوه بر نقش مستقل محيط خانواده در آسيب‌شناسي اختلالات رواني، نقش مهمي در نحوه تأثير ساير عوامل سبب شناختي دارد. به عنوان مثال، فقر در محيط خانوادگي مثبت، تأثير منفي کمتري مي‌گذارد (اسنيک[[9]](#footnote-9) و همکاران، 2007).

محيط خانواده، ويژگي‌هايي همانند ميزان اتخاذ قوانين براي مديريت خانواده،‌ قدرت تصميم‌گيري اعضاي خانواده،‌ ميزان توجه اعضاء خانواده‌، سلامت عمومی و نوع تعاملات آن و توجه اعضاي خانواده به ارزش‌هاي اخلاقي، اجتماعي و فرهنگي را دربرمي‌گيرد (موس و موس، 1993).

هيچ مرحله‌اي از زندگي يک زن به اندازه دوران بارداري هيجان‌انگيزتر و شگفت‌انگيزتر نيست. در اين زمان موجود زنده در بدن مادر بوجود مي‌آيد، رشد مي‌کند و بالاخره پا به اين دنيا مي‌گذارد. در طول اين مدت بدن مادر و روحيات او دستخوش تغييراتي مي‌گردد که کاملاً بديع و يگانه است (مارگارت و اسپين لاي[[10]](#footnote-10)، 1998).

دوران بارداري از حساس‌ترين دوره‌هاي زندگي زنان است و مهم‌ترين زمان براي بروز اختلالات خلقي و اضطراب محسوب مي‌گردد. دوره‌اي که در آن سه حوزه وسيع رواني، اجتماعي و زيستي دچار تحول مي‌شود. متأسفانه اکثر زنان ترجيح مي‌دهند که غم و اندوه و ناراحتي خود را به تنهايي تحمل کنند، زيرا باور آنها اين است که بايد خودشان را هميشه سالم نشان دهند. اغلب خانواده‌ها و دوستان آنان مشتاق بازگشت صريح زن به وضعيت قبل از بارداري، و همان سطح کارکرد قبلي خوب او هستند (کاترين و ويسنر، 2003).

در دوران بارداري جنين تحت تأثير حالات و روحيات مادر قرار دارد. سلامت عمومي و روحيات مادر نيز مي‌تواند تحت تأثير محيط خانواده قرار گيرد. مطالعات انجام شده حاکي از آن است که پژوهشي درباره ارتباط محيط خانواده و سلامت عمومي زنان باردار انجام نشده است و اين پژوهش قصد دارد رابطه بين محيط خانواده و سلامت عمومي زنان باردار را بررسي نمايد. بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که آيا بين محيط خانواده و سلامت عمومي زنان باردار رابطه‌اي وجود دارد؟

**1-3 اهميت و ضرورت پژوهش**

سلامت عمومي از جمله مفاهيمي است که امروزه از اهميت ويژه‌اي برخوردار است، که دايره شمول موضوعات آن هر روز فراگيرتر مي‌شود. عدم سازش و وجود اختلالات رفتار در جوامع انساني بسيار مشهود و فراوان است و در هر طبقه و صنفي و در هر گروه و جمعي، اشخاص نامتعادلي زندگي مي‌کنند. برخورداري از تعادل رواني به عوامل متعددی بستگي دارد که مهم‌ترين آنها احساس امنيت، کارآمدي و ارزشمندي، فقدان اضطراب و افسردگي، عملکرد اجتماعي بالا و سلامت و شادابي جسماني و رواني است. افرادي که دچار مسائل و مشکلات عصبي و رواني مي‌شوند مضطرب،‌ افسرده، بلاتکليف، بي‌هدف و فرو رفته در خود مي‌شوند و تداوم اين اختلالات ممکن است شخصيت فرد را در هم بريزد و مشکلاتي از قبيل آشفتگي و پريشاني فکر و عدم تمرکز حواس و کاهش توان يادگيري و در عملکرد فرد اختلال ايجاد شود(علي نياکروئي، 1382).

در هزاره سوم ميلادي، به علت پيشرفت‌هاي فناوري و تأثير مثبت آن بر سلامت و کيفيت زندگي انسان، بررسي و پژوهش در مورد مسأله سلامت و عوامل تأثيرگذار بر آن مي‌تواند بسياري از گره‌هاي فرو بسته و پيچيدگي‌هاي مربوط به بيماري‌شناسي، نحوه زندگي، ارتقاء سلامت جسماني و اجتماعي را بگشايد و در شنايايي عوامل تهديدکننده سلامت عمومی راهگشا باشد (ياريان، 1387).

با توجه به مطالب مطرح شده بالا به نظر مي‌رسد اگر عوامل مؤثر بر سلامت عمومي زنان باردار شناسايي گشته و به خوبي درک شوند، کمک زيادي در جهت بهبود سلامت عمومي زنان باردار خواهد شد. اما اگر در اين حوزه سرمايه‌گذاري انساني و مادي صورت نگيرد و سلامت عمومي زنان باردار مورد غفلت قرار گيرد مشکلات بسياري از جمله ناسازگاري‌هاي فردي، اجتماعي و تحصيلي‌ گريبان‌گير آنان مي‌گردد. لذا توجه به سلامت عمومي زنان باردار از اهميت ويژه‌اي برخوردار است براي رسيدن به اين هدف‌ها طرح و بررسي و همچنين برنامه‌ريزي اصولي براي تأمين سلامت عمومي در درون خانواده‌ها امري لازم است. بنابراين لازم است در جهت پيشگيري و ارتقاء سطح سلامت عمومی برنامه‌هاي مدرني را فراهم نموده و با اجراي اين برنامه‌ها، سلامت عمومي افراد را افزايش دهيم.

با استفاده از نتايج به دست آمده از اين پژوهش محيط خانواده مي‌تواند زنان باردار را آموزش داد و از طريق برنامه‌هاي رواني- تربيتي در حل مشکلات سلامت عمومي آنها را در زمان بارداري ياري دهد. و نيز راهکارها و الگوهايي را براي بهبود کيفيت زندگي، افزايش رفتارهاي سازگارانه و مقابله و کنار آمدن با بسياري از عوامل تهديدکننده سلامت عمومي فراهم آورد و پيرو آن سبب تدوين و انجام برنامه‌هاي پيشگيرانه در محيط خانواده گردد. بنابراين پرداختن به چنين بررسي‌ها و اخذ اطلاعات مهم و کاربست آن در محيط خانواده مي‌تواند مانع بسياري از ناکامي‌ها، شکست‌ها و آسيب‌هاي رواني شود.

**1-4 اهداف پژوهش**

**اهداف اصلي**

تعیین رابطه بین مؤلفه‌هاي محيط خانواده و سلامت عمومي زنان باردار

 **اهداف فرعی**

1- تعیین رابطه بین به هم پيوستگي خانواده و سلامت عمومي زنان باردار

2- تعیین رابطه بين بيان خانواده و سلامت عمومي زنان باردار

3- تعیین رابطه بین درگيري خانواده و سلامت عمومي زنان باردار

 4- تعیین رابطه بین استقلال خانواده و سلامت عمومي زنان باردار

5- تعیین رابطه بین جهت‌يابي پيشرفت خانواده و سلامت عمومي زنان باردار

6- تعیین رابطه بین جهت‌يابي فکري- فرهنگي خانواده و سلامت عمومي زنان باردار

7- تعیین رابطه بین جهت‌يابي فعاليت‌هاي تفريحي خانواده و سلامت عمومي زنان باردار

8- تعیین رابطه بین تأکيدات اخلاقي- مذهبي خانواده و سلامت عمومي زنان باردار

9- تعیین رابطه بین سازمان خانواده و سلامت عمومي زنان باردار

10- تعیین رابطه بین کنترل خانواده و سلامت عمومي زنان باردار

11- تعیین رابطه بین مؤلفه‌هاي محيط خانواده و مؤلفه‌هاي سلامت عمومي زنان باردار

**1-5 فرضيه‌هاي تحقيق**

**فرضيه اصلي**

بين مؤلفه‌هاي محيط خانواده و سلامت عمومي در زنان باردار رابطه وجود دارد.

**فرضيه‌هاي فرعي**

1- بين به هم پيوستگي خانواده و سلامت عمومي زنان باردار رابطه وجود دارد.

2- بين بيان خانواده و سلامت عمومي زنان باردار رابطه وجود دارد.

3- بين درگيري خانواده و سلامت عمومي زنان باردار رابطه وجود دارد.

4- بين استقلال خانواده و سلامت عمومي زنان باردار رابطه وجود دارد.

5- بين جهت‌يابي پيشرفت خانواده و سلامت عمومي زنان باردار رابطه وجود دارد.

6- بين جهت‌يابي فکري- فرهنگي خانواده و سلامت عمومي زنان باردار رابطه وجود دارد.

7- بين جهت‌يابي فعاليت‌هاي تفريحي خانواده و سلامت عمومي زنان باردار رابطه وجود دارد.

8- بين تأکيدات اخلاقي- مذهبي خانواده و سلامت عمومي زنان باردار رابطه وجود دارد.

9- بين سازمان خانواده و سلامت عمومي زنان باردار رابطه وجود دارد.

10- بين کنترل خانواده و سلامت عمومي زنان باردار رابطه وجود دارد.

11- بین مؤلفه‌هاي محيط خانواده و مؤلفه‌هاي سلامت عمومي زنان باردار رابطه وجود دارد.

**1-6 متغيرهاي پژوهش**

متغير پيش‌بين هر متغيري است که به منظور تعيين اين مطلب که آيا در رفتار نفوذ مي‌کند يا نه مورد پژوهش قرار مي‌گيرد. در آزمايش‌هاي تجربي، متغير مستقل، متغيري است که به وسيله آزمايشگر و به منظور تعيين رابطه آن با پديده مورد مشاهده، دستکاري، کنترل، يا انتخاب مي‌شود. در پژوهش‌هاي غيرتجربي و همبستگي (پس رويدادي) که امکان دستکاري در آن وجود ندارد متغير مستقل متغيري است که فرض مي‌شود قبلاً دستکاري شده است (هومن، 1380).

در اين پژوهش محيط خانواده متغير پيش‌بين است.

متغير ملاک: متغير وابسته (ملاک) متغيري است که به منظور تعيين اثر متغير مستقل، مشاهده و اندازه‌گيري مي‌شود. متغير وابسته معمولاً جنبه‌اي از رفتار است که به خوبي تعريف مي‌شود و آزمايشگر آن را اندازه مي‌گيرد (هومن، 1380). در این پژوهش سلامت عمومی متغیر ملاک است.

1. - Karl Meniger [↑](#footnote-ref-1)
2. - Todur [↑](#footnote-ref-2)
3. - Social Function [↑](#footnote-ref-3)
4. - Depression [↑](#footnote-ref-4)
5. - Anxiety [↑](#footnote-ref-5)
6. - World Health Organization [↑](#footnote-ref-6)
7. - Dimatteo , M. RQ martin, R [↑](#footnote-ref-7)
8. - Family environment [↑](#footnote-ref-8)
9. - Snoek [↑](#footnote-ref-9)
10. - Margaret & Spinelli [↑](#footnote-ref-10)